



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۱/۲۸

اسحق نگارگر

انسان در جهانی خالی از ایمان وایقان!

در شفاخانه کنار بستر جوانی به اسم برایان افتاده بود که همانند من در بستر مریضی نیز کتاب خود را از یاد نبرده بود و به جای اینکه از درد بنالد خود را به خواندن مشغول نگاه میداشت. او کتابی را زیر عنوان اگنوستسیزم مطالعه می کرد و چون به حساب ظاهر مرا صاحب ریش وکله یافته بود فکر میکرد که مردی مسلمانم وبالطبع غافل از عوالم اگنوستسیزم. عرب ها اگنوستسیزم را به همان معنای دقیق کلمه فلسفه لا ادريت (یعنی من نمیدانم) ترجمه کرده اند و معتقدان این فلسفه در میان ایمان که تبلیغ گر آن دین است وایقان که ناشی از باور مان به علم و حقایق علمی می باشد موضعی مذذب اختیار می کنند و خود را به همین تسلی میدهند که نمیدانم هم نوعی علم است. در دنیای عیسویت پاپ ها، کشیش ها و ارباب کلیسا ها وکنیسه ها تا بدانجا به استفاده های شخصی از دین و اعتقاد مردم پرداختند که حتی بهشت خدا (ج) را نیز در معرض بیع و شری قرار دادند و برای همه ثابت کردند که دین یعنی وسیله ای که روحانی برای نفع خود از آن استفاده می کند و آهسته آهسته مردم از کلیسا و روحانیت آن بُریدند و روحانیون انجیل را به سوی آسیا و افریقا بردند تا بخت خود را در آن گوشه های جهان بیازمایند و "مأموریت الهی" را در آنجا ها پیاده کنند. بنابراین نهضت های نیرومند احیای آیین مسیح در میان اروپاییان راهی برای خود باز نکرد. اقبال وقتی سؤ استفاده روحانیون مسیحی را از تعلیمات عیسی می دید فریاد می زد که:

نور او اندر جهات او بی جهات

پور مریم آن چراغ کاینات

زیر گردون تو چه کردی او چه کرد؟

آن فلاتوس، آن صلیب، آن روی زرد

وی گرفتار بتان سیم خام

ای به جاننت لذت ایمان حرام

تن خریدی نقد جان در باختی

قیمت روح القدس نشناختی

آری روحانی عیسوی روح القدس را نشناخت و همان طور که اقبال گفته بود تن را خرید ولی جان را باخت! دنیای اسلام نیز در شرایط تازه جهان چشمان را مالیده مالیده از خواب دراز مدت تاریخی برخاست ولی چه بر خاستنی! اسلام متکی بر دو محور توحید و شهادت بود و متکی بر همین دو محور شعار لا سلاطین لا کلیسالا اله میداد و مسلمانان قبلاً اسلام را برای سلطنت های میراثی و خداداد تسلیم کرده بودند و هر گونه قیام تاریخی اسلام قیام در برابر سلطنت های میراثی و تاریخ زده بود. قیام اتا ترک در برابر سلاطین عثمانی نخستین درس عملی برای مسلمانان جهان بود. البته برخی زیاده روی های اتا ترک را نمیتوان نادیده انگاشت اما مشکل اصلی در دنیای اسلام این بود که منفعت روحانیون مسلمان با سلاطین مستبد به هم آمیخته بود. اسلام در سیر تاریخی خود از فرهنگ های مختلف استفاده نموده نوعی ملغمه فلسفی از دانش هند، یونان، ایران و دیگران تدارک دیده بود و این ملغمه فرهنگی را علم، فلسفه، تاریخ و فرقه های اسلامی ساخته بود. منفعت استعمارگران غرب نیز در آن روزگار ايجاب حکومت های فاسد نظامی و سلطنتی را در جهان آن روز می کرد. روحانیون بر اسلام نیز لیبیل ملی لگاندند و چنین نشان دادند که اسلام از ماست ولی مرگ بر تمدن اسلامی که ملغمه فرهنگ های دیگر است. امروز روحانیتی مسلمان نیز از دین به

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

منفعت خود استفاده می کند و میخواهد از دین بر ضد ترقی و پیشرفت سود ببرد و هی اسلام عزیز می گوید و با این دشلمه دهان شیرین می کند ولی اگر احياناً در میان این رهبران مسلمان یک همه پرسی بنمایی تا برایت بگویند که منظور شان از این اسلام عزیز چیست آن وقت ملتفت می شوی که منظور همان فرقه مورد نظر خودش است. پس شیعه اسلام شیعه می خواهد و وهابی نیز اسلام وهابی و آن وقت می بینی که آن ملغمه تاریخی فرو می شکند و مسلمانان تمدنی می سازند که در آن تمدن دیگر فارابی، ابن سینا، ابوریحان البیرونی و ابن رشد و دیگران هیچ کاره نیستند. بیچاره جوان افغان که به دلیل استبداد دینی به علم و فرهنگ جهان معاصر جز به ابتکار خود نمی رسد. ملای مسلمان هنوز درگیر خرافات مذهبی است و دین خود را از خرافه جدا نکرده است. دمشق سرد است و چون همه میدانند که جز برای منفعت صحبتی دیگر ندارد دین را نیز وسیله نفاق و شقاق ساخته است. هر روز که می گذرد مردم مرتکب آن گونه جرم ها می شوند که آخرین بقایای اعتقاد به خدا را در روان شان می سوزاند. کشور ما که در آن پول به تازگی فراوان شده است و با همه پول فراوان فقر کشنده بر جامعه همچنان مسلط است به محلی بدل گردیده است که از آن ایمان در حال کوچیدن است و ایقان هم وجود ندارد. میدانم که تعدد مساجد را دلیل اعتقاد مردم می پندارند ولی من دیده ام که در همین دیار مغرب زمین نیز کلیسا فراوان است. آدم به یاد حافظ می افتد که می گفت:

در میخانه بیستند خدایا میسند که در خانه تزویر وریا بگشایند

فاعتبروا یا اولی الابصار روز پنجشنبه 29 جنوری 2016 بر منگهم نگارگر